

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

۰۵ مارچ، ۲۰۲۴

نویسنده: Jeffrey D. Sachs

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

چطور سی ای ای جهان را بی ثبات می سازد

اگر صرفاً عملیات خلاف قانون سی ای ای در نتیجه جنایات افشا شده توسط کمیته چرچ به تاریخ سپرده شده بود، یا حداقل سیا را تحت حاکمیت قانون و پاسخگوئی عمومی قرار می داد. اما اینطور نبود.

سه مشکل اساسی با سی ای ای وجود دارد: اهداف، روش ها و فقدان مسئولیت اش. صرف نظر از قوانین بین المللی یا قوانین ایالات متحده، اهداف عملیاتی آن هر چیزی که است سی ای ای یا رئیس جمهور ایالات متحده در یک زمان معین از آن به نفع ایالات متحده تعریف می کند. روش های آن مخفیانه و دوگانه است. بی مسئولیتی آن به این معنی است که سی ای ای و رئیس جمهور سیاست خارجی را بدون هیچ نظارت عمومی به مرحله اجرا می گذارند. کانگرس یک نمایش فرعی و پای پاک است.

همانطور که مایک پمپئو، یکی از رئیسان اخیر سی ای ای، در باره دوران خود در این سازمان گفت: "من رئیس سی ای ای بودم. ما دروغ گفتیم، تقلب کردیم، دزدی کردیم. ما دوره های آموزشی کامل داشتیم. این شما را به یاد شکوه آزمایش امریکائی می اندازد".

سی ای ای در سال ۱۹۴۷ به عنوان جانشین دفتر خدمات ستراتژیک او اس اس (OSS) تأسیس شد. او اس اس نقش برجسته را در جنگ جهانی دوم ایفا کرده بود: کسب اطلاعات و خرابکاری. سی ای ای هر دو نقش را بر عهده گرفت. از یک طرف، سی ای ای قرار بود اطلاعات استخباراتی را در اختیار دولت امریکا قرار دهد. از سوی دیگر، سی ای ای می بایست "دشمن" را که رئیس

جمهور یا سی آی ای به عنوان دشمن خطاب میکرد، با استفاده از طیف وسیعی از اقدامات مانند ترور، کودتا، خلق نا آرامی ها، مسلح کردن شورشیان، و سائر ابزارهای دیگر، تخریب می نمود. این نقش اخیر است که برای ثبات جهانی و حاکمیت قانون در ایالات متحده ویرانگر بوده و این نقشی است که سی آی ای امروز آنرا تعقیب می کند. در واقع، سی آی ای یک اردوی مخفی ایالات متحده است که قادر به ایجاد آشوب در سراسر جهان بدون هیچ گونه مسئولیتی است.

هنگامی که رئیس جمهور دویت آیزنهاور تصمیم گرفت که ستاره سیاسی نوظهور آفریقا، پاتریس لوموبا از زئیر را (جمهوری دموکراتیک کانگوی کنونی) که به صورت دموکراتیک انتخاب گردید، "دشمن" بخواند، سیا در ترور او در سال ۱۹۶۱ توطئه کرد، بنابراین امید های دموکراتیک برای آفریقا را تضعیف کرد. او به دشواری می تواند آخرین رئیس جمهور آفریقائی باشد که توسط سیا سرنگون شد.

در تاریخ ۷۷ ساله خود، سی آی ای صرف یکبار در سال ۱۹۷۵، در معرض محاسبه جدی عامه قرار گرفته است. در آن سال، فرانک چرچ، سناتور ایداهو، تحقیقاتی را در سنا رهبری کرد که جنایات تکان دهنده سی آی ای از قبیل ترورها، کودتا ها، بی ثباتی، نظارت و شکنجه را به سبک منگله و آزمایش های طبی وی افشا نمود.

افشای تخلفات تکان دهنده سی آی ای توسط کمیته چرچ اخیراً در یک کتابی فوق العاده عالی توسط خبرنگار تحقیقی جیمز رایزن، آخرین مرد صادق: سی آی ای، اف بی آی، مافیا، و کنیدی ها - و مبارزه یک سناتور برای نجات دموکراسی شرح داده شده است.

آن قسمت از نظارت به دلیل تلاقی غیر معمول از رویداد ها اتفاق افتاد.

در سال قبل از کمیته چرچ، رسوائی و اترگیت ریچارد نیکسون را سرنگون کرد و قصر سفید را تضعیف نمود. جرال فورد به عنوان جانشین نیکسون انتخاب نشد، او نماینده سابق کانگرس بود و تمایلی به مخالفت با اختیارات نظارتی کانگرس نداشت. رسوائی و اترگیت که توسط کمیته اروین سنا مورد بررسی قرار گرفت، به سنا نیز این قدرت را داده بود که ارزش نظارت خود را بر سوء استفاده از قدرت قوه مجریه به اثبات برساند. مهم این که سی آی ای اخیراً توسط رئیس جدید ویلیام کولبی رهبری می شد که میخواست عملیات سی آی ای را پاکسازی کند. همچنین، جی ادگار هوور، رئیس اف بی آی، بانی عملیات غیر قانونی های نافذ که توسط کمیته چرچ نیز افشا شد، در سال ۱۹۷۲ درگذشت.

در دسامبر ۱۹۷۴، گزارشگر تحقیقی، سیمور هرش که در آن زمان یک خبرنگار بزرگ با منابعی در داخل سی آی ای بود، گزارشی از عملیات اطلاعاتی غیرقانونی سی آی ای علیه جنبش ضد جنگ ایالات متحده منتشر کرد. رهبر اکثریت سنای امریکا در آن زمان، مایک منسفیلد یک رهبر با شخصیت بود که چرچ را برای تحقیق در مورد سی آی ای تعیین کرد. چرچ خود یک سناتور شجاع، صادق، باهوش، مستقل و دلیر بود که خصوصیات او در سیاست ایالات متحده کم دیده شده است.

اگر صرفاً عملیاتی تقلب آمیز و غیر اصولی سی آی ای در نتیجه جنایات افشا شده توسط کمیته چرچ به تاریخ حواله می شد، یا حداقل سی آی ای را تحت حاکمیت قانون و پاسخگویی عمومی قرار می داد، اما این اتفاق نیافتاد. سی آی ای موفقیت نهائی را داشته است. سی آی ای با حفظ نقش برجسته خود در سیاست خارجی ایالات متحده، از طریق خرابکاری در ماواری ابچار، جهان را به گریه انداخته است.

از سال ۱۹۷۵ بدینسو، سی آی ای عملیاتی مخفیانه ای را در حمایت از جهادی های اسلامی در افغانستان به راه انداخته است که افغانستان را کاملاً ویران نمود، در حالیکه صعود القاعده را هم سبب گردید. سی آی ای احتمالاً عملیاتی مخفیانه ای را در بالکان علیه صربستان، در قفقاز علیه روسیه و در آسیای مرکزی با هدف قرار دادن چین انجام داده است که در آنجا ها همه جهادی های مورد حمایت سی آی ای را مستقر ساخته است. در دهه ۲۰۱۰، سی آی ای بار دیگر عملیاتی مرگباری را برای سرنگونی بشر اسد در سوریه با همکاری جهادی ها اسلامی انجام داد. برای حداقل ۲۰ سال، سی آی ای در دامن زدن به فاجعه فزاینده در اوکراین، از زمره سرنگونی خشونت بار رئیس جمهور اوکراین، ویکتور یانوکویچ در فروری ۲۰۱۴ عمیقاً دخیل بوده که آغازگر جنگ ویرانگری شد که اکنون اوکراین را فراگرفته است.

ما از این عملیات چه می دانیم؟ تنها قسمت هائی که افشاگران، چند خبرنگار تحقیقی بی ترس، تعداد انگشت شماری از دانشمندان شجاع و برخی از دول خارجی مایل یا قادر به گفتن آن بوده اند. با همه این، شاهدان بالقوه میدانند که ممکن است با مجازات سختی از سوی دولت ایالات متحده مواجه شوند. خود دولت ایالات متحده هیچ پاسخگویی نداشته و یا نظارت یا محدودیت معنی داری توسط کانگرس بر آن اعمال نشده است. برعکس، دولت با وسواس بیشتری سری شده است و اقدامات قانونی تهاجمی علیه افشای اطلاعات طبقه بندی شده را به راه می اندازد، حتی زمانی که یا بخصوص زمانی که این اطلاعات اقدامات غیرقانونی خود دولت را بیان می کند.

گاه گاهی، یکی از مقامات سابق ایالات متحده، رازها را افشا می کند. بطور مثال، زمانیکه زیبایی برژینسکی فاش کرد که جیمی کارتر را تحریک کرده بود تا سی آی ای را به آموزش جهادی های اسلامی برای بی ثبات کردن دولت افغانستان با هدف ترغیب اتحاد شوروی به حمله بر آن کشور وادار کند.

در مورد سوریه، ما از چند داستان در نیویورک تایمز در سالیان ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ از عملیات خرابکارانه سیا برای بی ثبات کردن سوریه و سرنگونی اسد، طبق دستور رئیس جمهور بارک اوباما، آموختیم. اینجا یک مورد از یک عملیات وحشتناک نادرست سی آی ای به میان می آید که آشکارا قوانین بین المللی را نقض نموده که منجر به یک دهه بدبختی، تشدید جنگ منطقه ئی، صدها هزار کشته و میلیون ها آواره شده است. با آنهم یک اعتراف صادقانه از این فاجعه به رهبری سی آی ای توسط قصر سفید یا کانگرس صورت نگرفته است.

در مورد اوکراین، ما میدانیم که ایالات متحده نقش مخفیانه بزرگی در کودتای خشونت آمیز ایفا کرد که باعث سرنگونی یانوکوویچ شد و اوکراین را به یک دهه خونریزی کشاند، اما تا به امروز ما جزئیات آن را نمیدانیم. روسیه با تعقیب و رهگیری تماس بین ویکتوریا نولند، یاور وزیر امور خارجه وقت امریکا (معاون فعلی وزارت خارجه) و جفری پیات سفیر ایالات متحده در اوکراین (در حال حاضر یاور وزیر امور خارجه) جریان کودتا را به جهان نشان داد که آنها برای دولت پس از کودتا نقشه می کشند. بعد از کودتا، ایالات متحده طور مخفیانه نیروهای عملیات اختصاصی رژیم پس از کودتا را که در به قدرت رسیدن آن کمک کرده بود، آموزش داد. دولت ایالات متحده در مورد عملیات مخفیانه سیا در اوکراین سکوت کرده است.

طبق اظهاریه سیمور هرش که اکنون یک گزارشگر مستقل است، ما دلایل خوبی داریم که باور کنیم مأموران سیا خط لوله گار نورد استریم را تخریب کردند. برخلاف سال ۱۹۷۵، زمانی که هرش با نیویورک تایمز همکار بود و این روزنامه هنوز تلاش می نمود که دولت را به پاسخگویی مجبور سازد، تایمز حتی تمکین نکرد که گزارش هرش را بررسی کند.

مسئول نگهداشتن سی آی ای در سطح عمومی البته مبارزه سختی است. روسای جمهور و کانگرس حتی در این راه تلاش نمی کنند. رسانه های مسیر اصلی در مورد سی آی ای تحقیق نمی کنند، در عوض ترجیح می دهند از "مقامات عالیرتبه ناشناس" و اختفای رسمی نقل قول کنند. آیا رسانه های اصلی تنبل، اغوا شده، ترسو از افشای عایدات تبلیغاتی مجتمع نظامی-صنعتی، در معرض تهدید، ناآگاه یا همه موارد فوق هستند؟ چه کسی میداند.

بارقه کوچکی از امید وجود دارد. در سال ۱۹۷۵، سی آی ای توسط یک اصلاح طلب رهبری می شد. امروز، سیا توسط ویلیام برنز، یکی از دیپلمات های با سابقه امریکا رهبری میگردد. برنز واقعیت را در مورد اوکراین میداند، زیرا او در سال ۲۰۰۸ به عنوان سفیر در روسیه خدمت کرد و واشنگتن را در مورد اشتباه مدعش و تلاش برای گسترش ناتو به اوکراین آگاه ساخت. با توجه به قد و قامد برنز و دستاورد های دیپلماتیک وی، شاید او از پاسخگویی فوری مورد نیاز جانبداری کند.

گسترش تداوم خرابی ناشی از عملیاتی سی آی ای حیرت‌انگیز است. در افغانستان، هئیتی، سوریه، ونزوئلا، کوزوو، اوکراین و فراتر از آن، مرگ ها، بی ثباتی و ویرانی‌های غیر ضروری که توسط فعالیت خرابکارانه سی آی ای به راه انداخته اند تا امروز ادامه دارد. رسانه های جریان اصلی، موسسات اکادمیک و کانگرس باید این عملیات را به بهترین نحو مورد بررسی قرار دهند و خواهان انتشار اسنادی برای امکان پاسخگویی دموکراتیک باشند.

سال آینده پنجاهمین سالگرد جلسات استماع کمیته چرچ است. پنجاه سال بعد، با سابقه، الهام و هدایت کمیته چرچ، دقیقاً زمان آن فرا رسیده است که پرده ها را باز کنیم، حقیقت را در مورد خلق مصیبت تحت رهبری ایالات متحده افشا کنیم و عصر جدیدی را آغاز نمائیم که در آن سیاست خارجی ایالات متحده شفاف و پاسخگو شده و تابع حاکمیت قانون داخلی و بین المللی خواهد شد که به جای تخریب دشمنان فرضی، به سمت صلح جهانی به جلو خواهد شتافت.

پایان